





وزارت علوم تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مدیریت تحصیلات تکمیلی
پژوهشکده زبان و ادبیات فارسی

پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی
(تحلیل انتقادی گفتمان حکومتی بوستان سعدی)

استاد راهنما:

دکتر زهرا حیاتی

استاد مشاور:

دکتر طاهره ایشانی

پژوهشگر:

فاطمه عرب‌زاده

تیر ماه ۱۳۹۵

فهرست مطالب

شماره صفحه

چکیده

- ۱
- فصل اول: کلیات پژوهش ۲
- ۱-۱ تعریف مسئله ۲
- ۲-۱ اهمیت و ضرورت انجام این پژوهش (چرایی پژوهش درباره این موضوع) ۵
- ۳-۱ قلمرو پژوهش ۵
- ۴-۱ سؤال‌های پژوهش ۶
- ۵-۱ فرضیه‌های پژوهش ۶
- ۶-۱ پیشینه پژوهش (بررسی اجمالی کارهای مشابه پیشین) ۶
- ۱-۶-۱ بررسی آثار سعدی در مطالعات نوین ادبی ۶
- ۲-۶-۱ نقدهای آثار ادبی در حوزه تحلیل گفتمان انتقادی ۱۰
- ۳-۶-۱ تحلیل انتقادی گفتمان آثار سعدی ۱۹
- ۷-۱ جنبه جدید بودن و نوآوری پژوهش ۲۰
- ۸-۱ روش انجام پژوهش و دلیل انتخاب این روش ۲۰
۲. فصل دوم: ادبیات نظری پژوهش ۲۱
- ۱-۲ مفاهیم مرتبط با رویکرد تحلیل گفتمان ۲۱
- ۱-۲-۱ قدرت ۲۲
- ۲-۱-۲ ایدئولوژی ۲۹
- ۱-۲-۵ گفتمان ۳۹
- ۱-۲-۶ تحلیل گفتمان ۵۱
- ۱-۲-۶ تحلیل انتقادی گفتمان ۵۵
- ۲-۲ چارچوب نظری پژوهش با تأکید بر زبان‌شناسی نقش‌گرای هلیدی در رویکرد تحلیل انتقادی گفتمان نورمن فرکلاف ۷۰
- ۱-۲-۲ زبان‌شناسی نقش‌گرا ۸۵

- فصل سوم: تحلیل بافت تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و عقیدتی تولید متن بوستان سعدی ۱۱۶
- ۱-۳ بافت تاریخی و اجتماعی حکومت ایلخانان ۱۱۶
- ۱-۱-۳ حمله مغول ۱۱۶
- ۲-۱-۳ سعدی در شرایط حمله مغول ۱۲۵
- ۳-۱-۳ ایلخانان ۱۲۷
- ۲-۳ بافت تاریخی و اجتماعی حکومت سلغریان فارس ۱۳۲
- ۳-۳ مؤلفه‌های فرهنگی و عقیدتی در تکوین ذهن و زبان سعدی ۱۳۹
- ۱-۳-۳ تحصیل در نظامیه بغداد ۱۴۰
- ۲-۳-۳ سفرهای سعدی ۱۴۲
- ۳-۳-۳ مدیحه‌سرایی ۱۴۳
- ۴-۳-۳ خلافت بغداد ۱۴۴
- ۵-۳-۳ تجدد در اندیشه و کلام سعدی ۱۴۵
- ۶-۳-۳ تأثیر از سایر متون ۱۴۶
- فصل چهارم: تحلیل باب اول بوستان سعدی با رویکرد تحلیل انتقادی گفتمان ۱۵۲
- ۱-۴ تحلیل باب اول بوستان براساس فرانشس اندیشگانی با تکیه بر شخصیت‌های اصلی ۱۵۶
- ۱-۱-۴ شاه ۱۵۹
- ۲-۱-۴ حکومتی ۱۶۲
- ۳-۱-۴ وزیر ۱۶۴
- ۴-۱-۴ سپاهی ۱۶۷
- ۵-۱-۴ پارسا ۱۷۰
- ۶-۱-۴ رعیت ۱۷۳
- ۲-۴ تحلیل باب اول بوستان براساس فرانشس اندیشگانی با تکیه بر شخصیت‌های فرعی ۱۷۵
- ۱-۲-۴ گروه‌های متأثر از کنش شاه ۱۷۵
- ۲-۲-۴ گروه‌های متأثر از کنش وزیر ۱۷۹
- ۳-۲-۴ گروه‌های متأثر از کنش اعضای حکومت و ارزش‌گذاری این کنش‌ها ۱۸۰

۱۸۲ ۴-۲-۴ گروه‌های متأثر از کنش سپاهیان
۱۸۳ ۴-۲-۵ گروه‌های متأثر از کنش پارسا
۱۸۶ ۴-۲-۶ گروه‌های متأثر از رعیت
۱۸۸ فصل پنجم: دریافت‌ها و نتایج
۱۹۴ پیوست‌ها
۱۹۵ پیوست ۱ جدول بندهای موجود در باب اول بوستان براساس نوع فرآیند بند
۱۹۵ ۱-۱ جدول بندهایی که شامل فرآیند مادی می‌شوند
۲۱۲ ۱-۲ جدول بندهایی که شامل فرآیند ذهنی می‌شوند
۲۳۵ جدول ۱-۳ بندهایی که شامل فرایند رابطه‌ای می‌شوند
۲۵۲ جدول ۱-۴ بندهایی که شامل فرایند رفتاری می‌شوند
۲۵۹ جدول ۱-۵ بندهایی که شامل فرایند وجودی می‌شوند
۲۶۸ جدول ۱-۶ بندهایی که شامل فرایند کلامی می‌شوند
۲۸۴ پیوست ۲ جدول بندهای باب اول بوستان براساس فاعل بندها
۲۸۴ جدول ۱-۲ بندهایی که شاه نقش فاعل را برعهده دارد
۳۳۶ جدول ۲-۲ بندهایی که وزیر نقش فاعل را برعهده دارد
۳۳۹ جدول ۲-۳ بندهایی که حکومتی نقش فاعل را برعهده دارد
۳۵۴ جدول ۲-۴ بندهایی که سپاهی نقش فاعل را برعهده دارد
۳۵۸ جدول ۲-۵ بندهایی که پارسا نقش فاعل را برعهده دارد
۳۹۱ جدول ۲-۶ بندهایی که رعیت نقش فاعل را برعهده دارد
۴۰۰ جدول ۲-۷ بندهایی که فاعل آن‌ها به گروه خاصی تعلق ندارد
۴۰۴ منابع

فهرست شکل‌ها

۷۰ شکل ۱-۲ گفتمان به عنوان متن، عمل گفتمانی و عمل اجتماعی
----	--------------------------------------------------------------

شکل ۳-۱ شجره‌نامه سلسله سلغریان ۱۳۴

فهرست جدول‌ها

۹۰	جدول ۲-۱: فراتنش‌ها و نمود آن‌ها در بند
۹۳	جدول ۲-۲: ارتباط متن و بافت موقعیت
۹۵	جدول ۲-۳: اجزاء فرایند و نمود آن‌ها در بند
۱۰۳	جدول ۲-۴: فرایندها، مشارکین و فعل‌های مرتبط
۱۰۴	جدول ۲-۵: نقش گفتارهای بینافردی

فهرست نمودارها

۱۵۲	نمودار ۴-۱: درصد فرایندهای موجود در باب اول بوستان
۱۵۳	نمودار ۴-۲: ارزش‌گذاری فرایندهای شخصیت‌ها در باب اول بوستان
۱۵۵	نمودار ۴-۳: کنش‌های شاه و ارزش‌گذاری این کنش‌ها
۱۵۸	نمودار ۴-۴: کنش‌های حکومتی و ارزش‌گذاری این کنش‌ها
۱۶۰	نمودار ۴-۵: کنش‌های وزیر و ارزش‌گذاری این کنش‌ها
۱۶۳	نمودار ۴-۶: کنش‌های سپاهی و ارزش‌گذاری این کنش‌ها
۱۶۴	نمودار ۴-۷: کنش‌های پارسا و ارزش‌گذاری این کنش‌ها
۱۶۹	نمودار ۴-۸: کنش‌های رعیت و ارزش‌گذاری این کنش‌ها
۱۷۱	نمودار ۴-۹: گروه‌های متأثر از کنش‌های شاه و ارزش‌گذاری این کنش‌ها
۱۷۵	نمودار ۴-۱۰: گروه‌های متأثر از کنش‌های وزیر و ارزش‌گذاری این کنش‌ها
۱۷۶	نمودار ۴-۱۱: گروه‌های متأثر از کنش‌های اعضای حکومت و ارزش‌گذاری این کنش‌ها
۱۷۸	نمودار ۴-۱۲: گروه‌های متأثر از کنش‌های سپاهیان و ارزش‌گذاری این کنش‌ها
۱۷۹	نمودار ۴-۱۳: گروه‌های متأثر از کنش‌های پارسا و ارزش‌گذاری این کنش‌ها
۱۸۲	نمودار ۴-۱۴: گروه‌های متأثر از کنش‌های رعیت و ارزش‌گذاری این کنش‌ها

چکیده

ایده‌ای که سعدی برای برقراری جامعه‌ای مطلوب به‌ویژه از سوی حکومت و اعضای نظام حاکم ارائه می‌دهد در گلستان و بوستان مورد توجه خاص قرار گرفته‌است. به صورتی که سعدی باب اول این دو کتاب را به این موضوع اختصاص داده‌است؛ همچنین تقدیم این کتاب به اتابکان زنگی به منظور آشنا کردن آنان با شیوه حکمرانی عادلانه؛ ضرورت پرداختن به الگوی حکومت مطلوب سعدی را آشکار می‌کند. از میان ابواب ده‌گانه بوستان، باب اول «در عدل و تدبیر و رأی» برای بررسی و تحلیل گفتمان حکومتی، برگزیده شده‌است؛ زیرا بیشتر حکایت‌ها و مواعظ این باب پیرامون شیوه حکومت‌داری و روابط اجتماعی است و در هشت باب دیگر حکایت‌های انگشت‌شماری درباره حکومت و ارتباط ارکان حکومت با سایر گروه‌های جامعه مشاهده می‌شود. داده‌ها و اطلاعات این پژوهش (حکایت‌های باب اول بوستان) براساس رویکرد تحلیل انتقادی گفتمان بررسی شده‌اند و در میان نظریه‌های موجود در تحلیل انتقادی گفتمان، مبانی روش‌شناسی نورمن فرکلاف که تحلیل خود را در سه بعد، متن، گفتمان و جامعه، انجام می‌دهد، انتخاب شده‌است. با توجه به الگوی فرکلاف، در بعد متن، حکایت و مواعظ در سطح «دستور» و «ساخت متنی» بررسی شده‌اند. برای این بررسی متنی الگوی «دستور نظام‌مند نقش‌گرای هلیدی» مورد استفاده قرار گرفته‌است. فرکلاف در بررسی ابعاد گفتمانی به بینامتنیت همچنین بیناگفتمانیت توجه می‌کند. گفتمان حکومتی در بوستان سعدی در تقابل با گفتمان معنوی به ویژه گفتمان صوفیه قرار دارد و از نظر بینامتنی با متونی مانند شاهنامه فردوسی و خمسه نظامی در ارتباط است. فرکلاف بعد اجتماعی متن را با نگاهی مارکسیستی بررسی می‌کند و رویکردی خود را نگاهی انتقادی برای افشا کردن ایدئولوژی‌های پنهان در متن‌ها معرفی می‌کند. براساس این رویکرد نتایج برآمده از این پژوهش را می‌توان به این صورت خلاصه کرد: پادشاه قدرت مطلق را در اختیار دارد. پارسا به‌عنوان نماینده گفتمان معنوی تنها قدرتی‌ست که در جامعه زمان سعدی در برابر شاه حضور دارد. وزیر، سپاهیان و سایر اعضای نظام حکومت تنها واسطه‌هایی میان شاه و مردم هستند که قدرتی از خود ندارند و تنها نقش مشاور شاه را ایفا می‌کنند. رعیت منفعل است و تنها واکنش‌های او در برابر عملکرد دولت مطرح می‌شود. با توجه به غلبه ایدئولوژی جبرگرای بر جامعه سعدی می‌توان این بازنمایی از طبقه رعیت را بازتولید گفتمان موجود و نوعی تحکیم آن دانست. با کنارهم‌گذاری داده‌های تحلیل گفتمان و شرایط اجتماعی دوره سعدی می‌توان بوستان را متنی در جهت حفظ ساختار حکومت زمانه خود و نه در برابر آن دانست؛ با این حال نگاه سعدی به حکومت با تأکید بر رفاه رعیت و آبادی کشور است و اصلاحات بسیاری برای بهبود اوضاع جامعه ارائه می‌دهد. آنچه متن بوستان را برای تحلیل به شیوه‌ای انتقادی مناسب می‌کند، زنده بودن آن در جامعه امروز ایران است که با در نظر گرفتن رابطه متقابل زبان و جامعه می‌توان گفتمان‌های موجود در جامعه امروز ایران را مشابه زمان سعدی و حضور پررنگ این متن را تلاشی برای حفظ این شرایط دانست.

کلیدواژه‌ها: بوستان، سعدی، تحلیل انتقادی گفتمان، گفتمان حکومتی.

فصل اول: کلیات پژوهش

۱-۱ تعریف مسئله

تحلیل گفتمان^۱ رویکردی نوین در مطالعات ادبی است که متن را در پیوند با بافت‌های موقعیتی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و تاریخی آن مطالعه می‌کند. از آنجاکه معنا، محصول شرایط فرهنگی و اجتماعی است، در تحلیل انتقادی گفتمان، متن یک عمل اجتماعی در نظر گرفته می‌شود که با قدرت، ایدئولوژی و گفتمان در ارتباط است و آنچه مورد تأکید است، نابرابری و بُعد سلطه‌آور قدرت است که در زبان تجلی می‌کند. در تحلیل انتقادی گفتمان، منتقد از توصیف زبانی فراتر می‌رود و بازتاب نابرابری‌های اجتماعی را در زبان اثر جستجو می‌کند. مناسبات قدرت، کلیدی‌ترین مفهوم در تحلیل انتقادی گفتمان است. همین امر، اساس پژوهش حاضر قرار گرفته است.

از آنجاکه، زبان سعدی و به‌ویژه دو اثر او گلستان و بوستان نقش مؤثری در هویت ایرانی و برخی باورها و ارزش‌های ملی دارد، بررسی گفتمانی متون مذکور می‌تواند ریشه‌ی بعضی اندیشه‌های ایرانی را تبیین کند. با توجه به اینکه پژوهشی با عنوان مشابه درباره‌ی گلستان انجام یافته است، این رویکرد را در تحلیل متن بوستان به کار می‌گیریم تا نتیجه‌ی جامع‌تری در این زمینه به دست آید؛ اگرچه، در برخی دیدگاه‌های خرد، زاویه‌ی دیدهای متفاوتی نیز اتخاذ شده است.

یکی از منسجم‌ترین و جامع‌ترین رویکردهای تحلیل انتقادی گفتمان، رویکرد نورمن فرکلاف^۲ است. در این رویکرد زبان یک عمل اجتماعی است. این گزاره در نظریه‌ی فرکلاف سه معنی دارد: نخست اینکه زبان و جامعه یک رابطه‌ی بیرونی و مجزا ندارند و شکلی از پدیده‌های اجتماعی-زبانی هستند؛ دوم اینکه زبان یک فرایند اجتماعی است و یک متن هم محصول فرایند تولید است و هم منبع فرایند تفسیر. در فرایند تولید و تفسیر، گوینده و مخاطب، هردو از دانش زبانی، ارزش‌ها و پیش‌فرض‌های مشترکی بهره می‌گیرند؛ سوم اینکه فرایند تولید و تفسیر هردو از عوامل اجتماعی تأثیر می‌پذیرد؛ برای مثال شرکت در یک گفتمان، شرکت در فعالیتی اجتماعی است که با مشارکت افراد در تولید و تفسیر متن‌ها محقق می‌شود. به عبارتی در تحلیل انتقادی گفتمان باید به نقش مشارکین گفتمان در تولید و تفسیر متن توجه داشت.

برای تحلیل ارتباط متن با فرایندهای تولیدی، شیوه‌ی تحلیل انتقادی گفتمان توجه به سه بعد است:

توصیف: تحلیل متن ← فرایند تولید

تفسیر: تحلیل عمل گفتمانی ← فرایند تفسیر

تبیین: تحلیل عمل اجتماعی ← شرایط اجتماعی تفسیر

^۱ Discourse Analysis

^۲ Fairclough, n.

در مرحله توصیف، تحلیل ویژگی‌های زبانی متن نشان می‌دهد؛ چگونه کلمات، دستور زبان و انسجام جمله، باعث شکل‌گیری یک زبان گفتمانی می‌شود. این خصوصیات صوری تجربه مؤلف را از جهان طبیعی یا اجتماعی، روابط اجتماعی و هویت‌های اجتماعی بازتاب می‌دهد. شیوه‌گزینش واژه‌ها و ترکیب آن‌ها در جمله بازنمای یک ایدئولوژی خاص است که میان گوینده و مخاطب مشترک است. فرکلاف این مرحله را به کمک دستور نظام‌مند نقش‌گرا پیش می‌برد. به نظر او نگاهی چند نقشی به متن ضروری است و این شیوه بررسی در دستور هلیدی لحاظ شده است؛ زیرا هلیدی معتقد است نقش‌های مختلف زبان خود را در فرانش‌های مختلف خود را نشان می‌دهند. این فرانش‌ها عبارت‌اند از: ۱. فرانش اندیشگانی که به فرد امکان می‌دهد درباره تجربیات خود از جهان سخن بگوید؛ ۲. فرانش بینافردی که فرد طی مشارکت در گفتار، هم‌نگرش خود را بیان می‌کند هم رابطه میان خود و مخاطب را شکل می‌دهد و مثلاً از شگردهایی مانند اطلاع‌رسانی یا قانع‌سازی استفاده می‌کند؛ ۳. فرانش متنی که فرد زبان خود را مطابق با متن‌های دیگر نظم و نسق می‌دهد.

در این مرحله به سؤالاتی از این قبیل پاسخ داده می‌شود: نام اشخاص ذیل کدام عنوان عام قرار می‌گیرد؟ اسامی اشیاء و فعالیت‌های خاص، کدام حوزه معنایی را تداعی می‌کند؟ استعاره‌ها کدام جهان‌بینی را به ذهن متبادر می‌کنند؟ ضمائر با اسامی جمع چگونه مورد خطاب قرار گرفته‌اند و نگاه ارزشی یا ضد ارزشی مؤلف را نسبت به دیگران تعریف می‌کند؟ به همین شکل، می‌توان الگوهای بارزش جمله را با توجه به گفتمان تحلیل کرد؛ برای مثال؛ نسبت جملات خبری، امری و انشائی چه دیدگاهی را القاء می‌کند؟ مقایسه جملات اسنادی و کنشی، جایگاه گوینده را نسبت به وضعیت موجود، فعال ترسیم می‌کند یا منفعل؟

همچنین براساس زبان‌شناسی نظام‌مند نقش‌گرا، نوع فرایندهای به کار گرفته شده برای هریک از افعال جمله مبین چه چیزی است؟ و ارتباط بین نوع فرایندها و اوضاع سیاسی-اجتماعی عصر با توجه به این مسئله چگونه تبیین می‌شود؟

در مرحله بررسی کردار گفتمانی، به این پرسش اصلی پرداخته می‌شود: متن چگونه به کردار اجتماعی شکل می‌دهد و چگونه از آن تأثیر می‌پذیرد؟

در این تحلیل، پیش‌زمینه‌های بافتی متن مورد توجه قرار می‌گیرند؛ این که گوینده در کدام ساختارها تغییر داده و این هنجارپذیری و هنجارگریزی کدام ارزش‌های فرهنگی-اجتماعی را تأیید یا نقد می‌کند؟ گفتمان‌های موجود تا چه حد در متن حفظ، حذف یا جابه‌جا می‌شوند؟ گوینده از کدام گفتمان بیشترین بهره را برده است؟ از میان گفتمان‌های دینی، سیاسی و ادبی کدام یک در متن

غالب است و با توجه به گفتمان‌های موجود در جامعه مؤلف، چه نتیجه‌ای به دست می‌دهند؟ در مرحله بررسی کردار اجتماعی، توان تفسیری محقق، ارتباط ساختارها را با روابط فرهنگی و اجتماعی تشخیص می‌دهد. پرسش اصلی این است: آیا متن به تغییر اجتماعی و تولید نظم گفتمانی نوین کمک کرده است؟ در این مرحله تحقیق، باید گفتمان اجتماعی دوران نویسنده تبیین شود و مشروعیت بخشیدن آن در بافت متن مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

طبیعی است در تحلیل انتقادی گفتمان حکومتی بوستان، دو سازه تقابلی کلان در متن، حکومت و غیر حکومت است. در محور سلسله مراتبی، حکومت با شاه آغاز می‌شود و غیر حکومت با مردم (رعیت)، مشارکاتی که از لحاظ دسترسی به قدرت، پایین‌تر از شاه قرار می‌گیرند؛ مانند وزیر، لشکری، قاضی، منجم و...؛ و مشارکاتی که در مراتب پایین‌تر از رعیت قرار می‌گیرند. عبارت‌اند از؛ درویش، عابد، زاهد، دهقان و مانند آن. البته در نگاهی خردتر می‌توان به دوگانه شاه و غیر شاه نیز قائل شد؛ زیرا مشارکاتی مانند وزیر، قاضی، لشکری، فقیه، منجم و مانند آن می‌توانند به عنوان یاریگران شاه در مقابل مردم قرار گیرند و می‌توانند خود در تقابل با شاه و در سویه مردم عمل کنند. در این پژوهش به این سؤال پاسخ خواهیم داد که گفتمان حکومتی بوستان در تقابل با رعیت، برای مشروعیت بخشی به خود و تثبیت آن در اذهان اجتماعی از چه شیوه‌هایی استفاده می‌کند و بازتاب آن در زبان چگونه است؟ پرسش مقدر دیگر این است که نابرابری‌های اجتماعی و سویه سلطه‌گری حکومت چگونه در تقابل با رعیت نقد می‌شود و این گفتمان انتقادی در زبان چه بازتابی یافته است.

۱-۲ اهمیت و ضرورت انجام این پژوهش (چرایی پژوهش درباره این موضوع)

از آنجاکه درباره سعدی مطالعات سنتی و نوین قابل توجهی انجام یافته و نظریه‌های متعددی ابراز شده، اتخاذ این رویکرد می‌تواند نتیجه نوین یا مکملی به دست دهد. هر نتیجه تازه‌ای نقد دستاوردهای گذشته است؛ و هر نتیجه مکملی توسعه زبان علمی نقد است.

اهداف پژوهش

- تکمیل یافته‌های پیشین درباره گفتمان حکومتی آثار سعدی.
- دستیابی به تفاوت دو متن بوستان و گلستان از نگاه تحلیل انتقادی گفتمان؛ به ویژه اینکه تلاش‌هایی در این جهت صورت گرفته است.

۱-۳ قلمرو پژوهش

الف) قلمرو مکانی: ایران؛

ب) قلمرو زمانی: قرن هفتم؛

ج) قلمرو موضوعی: بوستان سعدی؛

۱-۴ سؤال‌های پژوهش

۱. بوستان سعدی به تغییر گفتمان حکومتی کمک می‌کند یا به تثبیت آن؟
۲. گفتمان حکومتی بوستان در تقابل با رعیت، برای مشروعیت بخشی به خود و تثبیت آن در اذهان اجتماعی از چه شیوه‌هایی استفاده می‌کند و بازتاب آن در زبان چگونه است؟
۳. بافت سیاسی اجتماعی و فرهنگی چه تأثیری بر زبان بوستان داشته است؟

۱-۵ فرضیه‌های پژوهش

- ۱- بوستان سعدی در لایه‌هایی از متن موضع تقابلی گفتمانی دارد و در لایه‌های دیگر موضع تثبیت و تقویت آن.
- ۲- تثبیت گفتمان حکومتی در بوستان بیشتر بر پایه فرآیند عقلانی کردن است؛ زیرا به پیش‌بینی و اعمال افراد در قبال حکومت پرداخته می‌شود.
- ۳- براساس رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرای هلیدی که برای تحلیل اثر ادبی می‌تواند کاربرد داشته باشد، می‌توان گفت بافت فرهنگی بر متن تأثیر دارد و گذشته از فرهنگ رایج عصر بر این متن، شاخص‌های فرهنگی همچون وعظ، نصیحت و گاه طنز این متن را در برگرفته و خصوصیات زبانی خود را بر آن تحمیل نموده است.

۱-۶ پیشینه پژوهش (بررسی اجمالی کارهای مشابه پیشین)

۱-۶-۱ بررسی آثار سعدی در مطالعات نوین ادبی

■ در «تجزیه و تحلیل گفتمانی متن غزلیات عاشقانه سعدی»، ایرج شهبازی، (۱۳۷۸) نویسنده هفتاد غزل عاشقانه را در ساخت خرد و کلان تحلیل کرده و با استفاده از الگوی هالیدی و حسن (۱۹۷۶) به بررسی عواملی انسجام آن‌ها می‌پردازد. شهبازی با تجزیه و تحلیل غزلیات در ساخت کلان دو طرح به دست می‌آورد؛ طرح اول، سازه‌های اصلی زیرساخت غزلیات را شامل: «گفتگو با معشوق، بیان حال خود، اشاره به عالم عشق و عاشقی و تخلص شاعری» معرفی می‌کند. هرکدام از این چهار سازه نیز از عناصر بافتاری ویژه‌ای تشکیل شده‌اند. در طرح دوم، سازه‌های بنیادینی که زیرساخت غزلیات را تشکیل می‌دهند عبارت‌اند از: «توصیف و تمجید، توجیه و طعنه، گله و شکایت، ابراز

وفاداری و فداکاری و تقاضا و توصیه.» نتیجه بررسی عوامل ساختاری در این تألیف نشان می‌دهد که بیشترین بسامد مربوط به عامل انسجامی واژگان است و از عامل جایگزینی به‌کلی استفاده نشده است، بقیه عوامل هرکدام با نسبتی متفاوت در میانه این دو قرار دارند. نویسندگان در ارائه آمارهای به‌دست‌آمده از عوامل ربطی موجود در غزلیات انواع ارجاع را دارای بالاترین تعداد و در کنار آن‌ها ضمائر و ادات اشاره را دارای درصد کمی می‌داند، از صفات تفضیلی نیز اصلاً استفاده نشده است. پس از تجزیه و تحلیل الگوهای نحوی در غزلیات شهبازی انواع حذف را با درصد دقیق شرح می‌دهد. در این تألیف آمارهای دقیق بدون نتیجه‌گیری، ارائه شده است.

■ در مقاله «انسجام متن در غزلیات سعدی و بیدل» تألیف محمدجعفر یاحقی و محمدهادی فلاحی، (۱۳۸۹) نویسندگان به‌وسیله مقایسه ده غزل از سعدی به‌عنوان غزل‌سرای سبک عراقی و بیدل شاعر سبک هندی، عوامل انسجام را از نظر هلیدی و حسن (۱۹۷۶) در این نوع غزل بازخوانی می‌کنند و با ارائه جدولی از داده‌های به‌دست‌آمده از این عوامل به این نتایج دست می‌یابند: بسامد عوامل ربطی از نوع علی و توضیحی در غزلیات سعدی بیشتر از بیدل است؛ تعداد بیشتر این عوامل می‌تواند دلیلی برای شفاف‌تر بودن غزلیات سعدی قلمداد شود؛ در میان مؤلفه‌های حذف، عامل حذف بند در غزلیات بیدل بیشتر از سعدی است که تلاش مخاطب برای بازیابی عنصر حذف‌شده باعث ابهام بیشتر اثر می‌شود.

باوجود تعداد مساوی واژگان در هر دو نمونه، تعداد واژه هر جمله بیدل بیشتر از سعدی است که نشان‌دهنده طولانی‌تر بودن جملات در غزلیات بیدل است، از آنجایی که طول هر جمله رابطه مستقیمی با ابهام آن دارد، می‌توان گفت: یکی از دلایل دیرفهمی کلام بیدل طول جملات است. نویسندگان در نتیجه مقایسه بسامد عوامل انسجامی، تعداد این عوامل را در غزلیات سعدی ۸۷۲ و در غزلیات بیدل ۵۷۸ اعلام می‌کنند، این تفاوت به‌خوبی نشان‌دهنده انسجام بیشتر غزلیات سعدی و در نتیجه روان‌تر بودن آن به نسبت غزلیات بیدل است.

■ در «ارتباط برون‌متنی و درون‌متنی غزلیات سعدی و عماد فقیه کرمانی» تألیف مریم جهان تیغ و دیگران، (۱۳۸۹)، نویسندگان؛ با اشاره به اینکه متن‌های ادبی همواره در ارتباط با یکدیگر قرار دارند، به بررسی غزلیات سعدی و عماد فقیه پرداخته و دو اثر را از زاویه برون‌متنی و درون‌متنی مورد توجه قرار داده‌اند. از منظر برون‌متنی همانندی‌های این دو اثر شامل: «تشابه موسیقایی وزن و قافیه» و سایر عناصر آوایی می‌شود. در بعضی ابیات عماد خود به تقلید از سعدی اعتراف کرده و در بسیاری موارد ابیات او را تضمین کرده است. ارتباط عروضی این دو در چهل‌وسه غزل عماد فقیه که با غزلیات سعدی هم‌وزن و قافیه است به‌وضوح آشکار است. به نظر نویسندگان عماد در بعضی

از این تقلیدها موفق ظاهر نشده و با ایجاد تغییر در وزن یا قافیه بیت باعث از بین رفتن روانی آن شده است.

مشابهت دیگر که در این مقاله بین این دو اثر شناسایی شده، ارتباطی زیرساختی است. از آنجاکه سعدی و عماد فقیه هر دو متعلق به سبک عراقی هستند؛ شباهت‌های بسیاری بین محتوای کلام این دو می‌توان یافت. از جمله مسائل اجتماعی مطرح در زمانه این دو شاعر «واقعیت اجتماعی وجود زهد ریایی» است؛ مسئله‌ای که در شعر هر دو بازتابی روشن دارد.

در ادامه به مسئله تقلید از زاویه‌ای کلی می‌نگرد و تقلید عماد فقیه از سعدی را در بعضی موارد موفق و در بعضی در همان حد سعدی یا پایین‌تر ارزیابی می‌کند، البته در تعدادی از ابیات، مسئله تأثیرپذیری هر دو از فرهنگ مشترک و بحث توارد نیز مطرح شده است.

■ در «بررسی و تحلیل سبک‌شناختی فعل در غزل‌های تعلیمی سعدی با رویکرد زبان‌شناختی نقش‌گرا»، تألیف طاهره ایشانی و نرگس نظیف، (۱۳۹۴) نویسندگان غزلیات سعدی را براساس دستور نظام‌مند نقش‌گرای هلیدی بررسی کرده‌اند. غزلیات تعلیمی، غزل‌هایی را در برمی‌گیرند که سعدی علاوه بر توجه به مفهوم عشق، به‌عنوان درون‌مایه اصلی غزل، به مضامین تعلیمی نیز می‌پردازد. در این پژوهش بعد از ارائه آماری از پربسامدترین فرآیندهای موجود در غزلیات تعلیمی، به سراغ اندیشه و شخصیت سعدی می‌رود و به‌وسیله تحلیل داده‌ها در کنار توجه به بررسی محتوای ابیات این غزل‌ها سعدی را فردی اخلاق‌گرا در عشق معرفی می‌کند. البته براساس نتایج این پژوهش؛ سعدی در کنار این اخلاق‌گرایی، فردی جبرگرا نیز هست. او به دلیل باور به محتوم بودن سرنوشت انسان و بیهوده بودن تلاش آدمی برای تغییر سرنوشت خود، مسیر خیام را پیش می‌گیرد و مخاطب را به اغتنام فرصت و خوش‌باشی فرامی‌خواند.

■ در «شیوه‌های روایت‌پردازی در گلستان» تألیف منیژه عبداللهی، (۱۳۸۵) نویسنده ابتدا با توجه به سبک گلستان از سویی انتخاب زبان نثر را برای این کتاب تصمیم سعدی در انتخاب زبان واقع‌گرایانه برای تجسم دنیای حقیقی می‌داند، از دیگر سو معتقد است از منظر دیدگاهی سبک شناسانه می‌توان این انتخاب را متأثر از رواج ادبیات غیر شعری در دوره سعدی دانست.

محقق ادعا می‌کند؛ سعدی با نگاهی منعطف و تأثیرپذیر به واقعیت جامعه می‌نگرد و از این‌رو در حکایت‌پردازی گلستان، توجه بیشتری به تنوع شخصیت راوی دارد و با استفاده از شیوه‌های مدرن که از جمله آن‌ها حضور چندآوایی گفتمان در حکایت است، نگاه منعطف خود را نشان می‌دهد.

در این تألیف پس از بررسی زاویه دید در هفت حکایت اول گلستان، ابتدا زاویه‌دیدهای مختلف از یکدیگر جدا شده، سپس به بررسی بسامد کاربرد هر کدام در ۱۷۸ حکایات موجود پرداخته شده

است. در پایان نویسنده کاربرد هرکدام از انواع شیوه‌های روایت‌پردازی را متناسب با موضوع حکایت‌ها دانسته است. برای مثال: کاربرد شیوه‌ی روایت‌پردازی خاص در باب پنجم برای بیان روابط احساسی و تجربیات شخصی و در باب هشتم همان شیوه برای ایجاد روابط نزدیک و صمیمانه با پیران و ضعیفان است.

■ در «خوانش گلستان سعدی براساس نظریه‌ی تقابل‌های دوگانه» تألیف قدسیه رضوانیان، (۱۳۸۸)، نویسنده با اشاره به اینکه تقابل‌های دوگانه ریشه در اندیشه‌های باستانی ایرانیان دارد و به‌نوعی اندیشه‌ی کل جامعه بشری براساس دوگانگی و تضاد بنا شده است، می‌کوشد تا این تقابل‌ها را در گلستان سعدی بیابد. نویسنده «شالوده تفکر سعدی» را این نوع تقابل و تضادی می‌داند که از روستا و جنبه‌های زیبایی‌شناسی تا ژرف‌ساخت و ابعاد محتوایی و فلسفی گسترده شده است و حتی در نام‌گذاری باب‌های این کتاب نیز خودنمایی می‌کند؛ «در سیرت پادشاهان» در مقابل «در اخلاق درویشان» قرار می‌گیرد.

انتخاب شکل ادبی حکایت که به‌طور عادی برای اندرزه‌های اخلاقی طراحی شده است، خود بر بنیاد تضادی استوار است که در ساختار مضمونی-دیالکتیکی داستانی که براساس اندرز پرداخته شده منعکس می‌گردد.

نشانه‌ی دیگر تضاداندیشی در تفکر سعدی، کاربرد آرایه‌های مبتنی بر تضاد مانند، مقابله، تضاد واژگانی و تضاد در ساختارهای نحوی در متن حکایات است. در سطح ژرف‌ساخت نیز تناظر مفاهیم، تقابل شخصیت‌ها و تقابل در نظام آوایی از جلوه‌های عنصر تضاد در گلستان سعدی است. در پایان نویسنده نتیجه می‌گیرد: «بنا نهادن گلستان بر عنصر تضاد، چه به‌عنوان آرایه‌ی ادبی و چه به‌عنوان عنصری فلسفی کاملاً آگاهانه بوده است. سعدی با این شگرد، به‌خوبی زبان سخن خویش را با عینیت زندگی پیوند داده است.» (۱۳۴، رضوانیان)

■ در «تحلیل گفتمان حکایت جدال سعدی با مدعی» تألیف مصطفی گرجی، (۱۳۸۳)، نویسنده با توجه به مؤلفه‌های گفتگو، نویسنده به بررسی گلستان به‌عنوان یک اثر تعلیمی که تصویر دنیای واقعیت‌هاست، می‌پردازد. نویسنده از جمله دیدگاه‌های سعدی برای جامعه آرمانی را گفتگو‌محوری، رعایت حقوق یکدیگر، حقیقت‌جویی و پرهیز از تعصب می‌داند. وی در ادامه با توجه به بافت فرهنگی جامعه‌ی سعدی که فضایی استبدادی و بسته است، سعدی را نیز متأثر از این فضا دانسته، تأکید او را بر اخلاق‌محوری و حق‌طلبی، صرفاً نظراتی دور از اخلاق عملی و زندگی واقعی سعدی به شمار می‌آورد. نویسنده با استناد به ابیات و عبارات سعدی هنگامی که مخالفان خود را سرزنش می‌کند و با تأکید بیشتر بر حکایت «جدال سعدی با مدعی» می‌کوشد ادعای خود را ثابت کند. استفاده

سعدی از کلمات دارای بار منفی برای مدعی همچنین بسامد بالای سطوری که سعدی گوینده آن‌هاست و به‌نوعی اجازه سخن به مدعی نمی‌دهد و هنگام سخن گفتن مدعی نیز به‌جای توجه به محتوای کلام تنها در پای یافتن پاسخی دندان‌شکن به اوست، نشانه‌ی عدم تعهد او به قواعد گفتگو است. درنهایت این تألیف سعدی را محکوم‌به دوگانگی در کردار و گفتار می‌کند.

البته به نظر می‌رسد در پایان حکایت شاهد حضور قاضی هستیم که به‌نوعی نماینده عدالت است و در حضور او اصول گفتگو رو به تعادل می‌گذارد. از این‌رو شاید بتوان گفت این حکایت را دلیلی برای محکوم کردن سعدی در شکستن اصول گفتگو دانست، زیرا او نه‌تنها در پایان الگوی مناسبی برای گفتگو با استفاده از شخصیت قاضی نشان می‌دهد بلکه تا حدی خود را به‌عنوان یکی از طرفین دعوا که از این اصول تخطی کرده نقد می‌کند.

۱-۶-۲ نقدهای آثار ادبی در حوزه تحلیل گفتمان انتقادی

- «تحلیل گفتمان انتقادی» (۱۳۸۵) ابتدا رساله‌ی دکتری فردوس آقاگل‌زاده بود و در سال ۱۳۸۵ به‌عنوان کتاب چاپ شد و تنها پژوهش مستقل در زمینه تحلیل انتقادی گفتمان به زبان فارسی است. این کتاب با شیوه‌ای توصیفی-تحلیلی در کنار بررسی هر یک از دیدگاه‌های تحلیل گفتمان نشان می‌دهد که در فرآیند تولید و درک متن، عواملی همچون معنای زبان‌شناختی، بافت کلام، تأکید معنایی، پیش‌فرض‌ها و استلزام‌ها دخالت دارند. وی با مقایسه دیدگاه‌های زبان‌شناسان تحلیل گفتمان در مقابل دیدگاه‌های تحلیل انتقادی گفتمان ادعا می‌کند؛ دیدگاه‌های انتقادی از مرحله توصیف متن عبور کرده و به سطح تبیین رفته‌اند و در این مرحله به عواملی چون؛ ایدئولوژی، قدرت، تاریخ و... می‌پردازد و از این‌رو از واقعیت جامعه شناخت جامع‌تری دارند.
- کتاب «سبک‌شناسی نامه‌های امام محمد غزالی» تألیف مریم درپر، (۱۳۹۰) با نگاهی انتقادی به سبک‌شناسی نامه‌های امام محمد غزالی پرداخته ویژگی‌های سبکی را با توجه به بافت موقعیتی نامه‌ها و کارکرد مؤلفه‌ها در رابطه بینافردی نویسنده با مخاطب تجزیه و تحلیل نموده است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد؛ نامه‌نگاری غزالی به‌مثابه یک کنش ابزاری برای نظارت و کنترل است و دسترسی به گفتمان زاهدانه تقویت‌کننده موضع اقتدار نویسنده است. همچنین ویژگی‌های سبکی شامل بسامد بالای رمزگان دینی، بسامد بالای کنش‌های ترغیبی، میزان بالای قطعیت متن و سبک‌های آمرانه و چالشی تحت‌تأثیر ایدئولوژی زهد و آخرت‌گرایی سازمان‌دهی شده است. همین امر سبب تمایز سبک نامه‌های غزالی شده چنان‌که می‌توان سبک او را در نامه‌نگاری «زاهدانه» نامید.

■ در «تحلیل انتقادی گفتمان قصیده‌ای از سنایی» تألیف نجمه حسینی سروری، (۱۳۹۳) نویسنده با انتخاب یکی از مشهورترین و انتقادی‌ترین قصاید سنایی و بررسی آن با الگوی فرکلانف^۳ می‌کوشد ایدئولوژی‌های پنهان در کلام سنایی را آشکار کند. در بخش توصیف نتیجه می‌گیرد؛ سنایی مخاطبان و افراد جامعه را براساس نظام ارزش‌گذاری خود که ریشه در باورهای مذهبی و صوفیانه دارد، دسته‌بندی و به این وسیله برای خود و مخاطبانش جایگاه‌سازی می‌کند. سنایی خود را در مقام سخن گو معرفی کرده و مخاطبان را در هر جایگاهی که باشند، در موقعیتی پایین‌تر قرار می‌دهد. مؤلفه دیگری که محقق برای درک جهان‌بینی سنایی در مرحله توصیف برمی‌گزیند، بررسی کاربرد الگوی جمله‌هاست؛ در این قسمت مشخص می‌کند، سنایی با کاربرد تقلیدهای مطلق و عینی اقتدار خود را به نمایش می‌گذارد. همچنین بسامد بالای جملات دستوری تثبیت‌کننده جایگاه برتر شاعر به‌عنوان تنها صدای شایسته شنیدن است. باورهای اشعری و منافی فردیت شاعر با نگاه به میزان و چگونگی تعدی در جملات کنشی این قصیده آشکار می‌شود.

در مرحله تفسیر نویسنده به سراغ انتخاب ژانر قصیده می‌رود، ژانری که به‌صورت معمول برای انتقال مفاهیم تعلیمی به کار می‌رود. قصیده امکان این را برای سنایی فراهم می‌کند تا اندیشه‌های خود را به‌صورت حقیقتی قاطع و غیرقابل‌انکار مطرح کند.

در سطح تبیین این تألیف بستر اجتماعی سنایی را مورد توجه قرار داده و نتیجه می‌گیرد که در جامعه‌ای غرق در ناامیدی و بدبینی، اختلافات مذهبی بیداد می‌کند و نبود حکومت مرکزی مقتدر باعث افزایش نفوذ علمای مذهبی شده است. علمایی که تفکر اشعری را رواج می‌دهند و با حمایت از صوفیان باعث رشد روحیه زهدورزی و تعصب مذهبی در جامعه شده‌اند. تفکر اشعری در قصیده سنایی به‌شدت توصیه شده است. درنهایت می‌توان این قصیده را به‌نوعی در خدمت گفتمان مذهبی رایج زمانه خود و تقویت‌کننده آن دانست.

■ در «تحلیل انتقادی گفتمان مقامات‌های مشایخ صوفیه» تألیف مریم اکبری، (۱۳۹۳) نویسنده با توجه به سیر تطور تصوف از پیدایش تا دوره اوج قدرت به بررسی دو مقامات می‌پردازد، یکی متعلق به «ابن خفیف» و از متون قرون سوم و چهارم هجری قمری و دیگری «مقامات ژنده‌پیل» مربوط به دوره اوج تصوف در قرن ششم.

این پژوهش با استفاده از داده‌های زبان‌شناختی و ساخت‌های متنی اثبات می‌کند: متون اولیه تصوف بیشتر توجه به وعظ و تعلیم داشته‌اند و گفتمان تصوف سنتی را در متون خود بازتولید می‌

^۳ Norman Fairclough

کرده‌اند. این فرقه در ابتدا گرایش بسیاری به شرع و دین داشته و توجه به زندگی دنیوی را مغایر با حقیقت خداپرستی می‌پنداشتند.

در ادامه با تحلیل مقامات زنده‌پیل نشان می‌دهد که صوفیه به مرور زمان اهمیت اجتماعی یافتند و به دنبال آن قدرت سیاسی قابل ملاحظه‌ای به دست آوردند. این قدرت و نقش اجتماعی آن‌ها در متون متصوفه با افزایش کارکردهای مادی و توجه به حضور فعال در اجتماع بروز می‌کند. در این دوره صوفیه با استفاده نشانه‌هایی از خارج گفتمان سنتی تصوف سعی در ایجاد تغییر در این گفتمان دارند. در حکایات خود به طرد رقیب و تأیید خود می‌پردازند و با استفاده از ذکر کرامات مشایخ نقدهای گروه‌های مخالف را رد کرده، سعی در مشروعیت‌بخشی به خود دارند.

■ در مقاله «ارزیابی جایگاه مغولان و ایرانیان در شهنشاه‌نامه احمد تبریزی» تألیف مهشید گوهری و دیگران، (۱۳۹۲) نویسندگان با استفاده از بررسی فرآیند غیریت‌سازی و ایجاد دو جبهه خودی و دیگری، تقابل‌های موجود در متن شهنشاه‌نامه را که در دوره ایلخانان سروده شده، بررسی می‌کنند و در نهایت نتیجه می‌گیرند؛ تبریزی به دلیل زندگی در دوره مغولان و حضور در دربار آنان در مواردی صفاتی پسندیده به آن‌ها می‌دهد و حتی با استفاده از نسبت دادن نسلشان به شخصیت‌های مورد قبول جامعه (مانند شخصیت‌های اساطیری) همچنین جنبه الهی دادن به چنگیز و حمله او به ایران سعی در مشروعیت‌بخشی به مغولان دارد اما می‌کوشد حقیقت حمله مغول و خونریزی‌هایی را که به دنبال داشت در ورای شرح جنگ‌ها و کشتارها آشکار کند.

درواقع در این کتاب مخاطب با قهرمانی روبه‌رو می‌شود که در عین صفات پسندیده اعمالی هولناک انجام می‌دهد. از همین شخصیت‌پردازی دوگانه تبریزی می‌توان فهمید او از قواعد غیریت‌سازی مبتنی بر عدم تأکید بر بدی‌های خودی (چنگیز و مغولان) تخطی کرده و به‌عنوان کسی که در گفتمان مغولان است از درون آن‌ها را نقد می‌کند. در بررسی جبهه‌گیری تبریزی در مقابل گفتمان غیرخودی (ایرانیان و مخالفان مغول) با جانب‌داری او از سلطان جلال‌الدین به‌عنوان یکی از عناصر مخالف مغول، وصف دلاوری‌های او، ستایش ایرانیان در غالب القاب پسندیده همچنین استفاده از شخصیت‌های اساطیر ایرانی در مدح خود و غیرخودی مواجه می‌شویم؛ مواردی که نشان می‌دهد تبریزی با وجود حضور در گفتمان بیگانه، تعلق خود به فرهنگ و هویت غیر مسلط (ایرانی-اسلامی) را در کلامش پنهان می‌کند.

■ در «تحلیل داستان رستم و شغاد براساس مربع ایدئولوژیک ون‌دایک» تألیف زهرا حامدی شیروان و سید مهدی زرقانی، (۱۳۹۳) نویسندگان با انتخاب «مربع ایدئولوژیک ون دایک» به‌عنوان رویکرد پژوهش، داستان مرگ رستم را به دست برادر ناتنی‌اش شغاد، تحریفی از جانب فردوسی و در ابعاد

گسترده‌تر، جامعه، در مورد شخصیت‌هایی مقابل قهرمانان ملی می‌داند. این تحریف از ابتدای تولد شغاد با بنده‌زاده خواندن او و تحقیر نسبش آغاز می‌شود. در ادامه زال که گناه رابطه با فردی از طبقه فرودست گریبان او را گرفته، به کمک پیش‌بینی ستاره‌شناسان مبنی بر شومی شغاد، طرد او را از خود توجیه می‌کند. فردوسی با آوردن ابیاتی که صحنه، مناجات زال را ترسیم می‌کند به او چهره‌ای معنوی داده و به گونه‌ای ذهن مخاطب را از اشتباهات زال دور می‌کند.

شاعر سال‌های کودکی و رشد شغاد را نادیده می‌گیرد و رنجی را که در طی سالیان کودکی و جوانی به واسطه تولد نامشروع و طرد شدن از سوی خانواده متحمل شده را فراموش می‌کند. رنج‌هایی که باعث افزایش حس حقارت و نفرت در این کودک پاک شده است.

شغاد که از دید فردوسی ضدقهرمان داستان است با نگاه عمیق‌تر قربانی منفعت‌طلبی‌های قدرتمندان می‌شود و حتی شاه کابل که از کودکی او را مورد لطف خود قرار داده، همواره به او به‌عنوان ابزاری برای کسب قدرت نگاه می‌کند.

در بزرگ‌سالی شغاد وقتی که با بی‌توجهی خانواده‌اش روبه‌رو می‌شود با تحریک شاه کابل، تصمیم به انتقام می‌گیرد ولی فردوسی هنگام سرودن این بخش از داستان نفرت شغاد را از شقاوت درونی می‌داند و با استفاده از کلمات مثبت در مورد زال و رستم، ذهن مخاطب را از رفتار زشت آن دو دور می‌کند. در این قسمت داستان متوجه می‌شویم شغاد اگرچه از نسل زال و در واقع در قطب خودی است اما بر اثر سال‌ها خشم و کینه از خانواده خود و در مقابل لطف کابلیان خود را از آن‌ها دانسته و به قطب غیرخودی می‌رود. شغاد در تضاد با پدر و برادرش قرار می‌گیرد و با هم‌دستی شاه کابل، نقشه‌ای برای قتل رستم تدارک می‌بیند. نقشه شغاد نشان‌دهنده خشم نهفته درون اوست، خشمی که فردوسی آن را در قسمت‌های مراجعه شغاد به رستم نقطه مقابل مهربانی و رحمت رستم قرار می‌دهد و در ادامه شغاد را که این مهربانی‌ها در او اثری ندارد، محکوم به سنگدلی می‌کند.

■ عملی شدن نقشه شغاد مستلزم اشتباهات بسیار از سوی رستم است، جهان‌پهلوانی که در سرتاسر شاهنامه شاهد خردمندی و زیرکی او هستیم، در این جا فردوسی بار دیگر وارد جریان می‌شود و خطاهای رستم را به تقدیر و اجل منسوب می‌کند. نقشه کشتن رستم با نیرنگ کردن چاه همراه است؛ عنصری که در حقیقت در داستان‌های شاهنامه تکراری است و همواره قهرمانی معصوم به چاه می‌افتد و چاه‌کننده فردی پست و خائن است. این انتخاب فردوسی از ابتدا جهت‌گیری او را روشن می‌کند. در ترسیم صحنه مرگ رستم از بار معنایی کلمات کاملاً جانب‌داری شاعر آشکار است همچنین در انتها هنگام مرگ رستم و شغاد دو برادرکشی روی می‌دهد که فردوسی برادرکشی رستم را موجه و حتی همراه با مهربانی

تصویر می‌کند و شغاد را ضدقهرمانی خائن به وطن که برادر خود بزرگ‌ترین پهلوان ایرانی را کشته است، معرفی می‌کند.

■ در «تحلیل گفتمان انتقادی هویت ایرانی در شاهنامه فردوسی» علی یوسفی و دیگران، (۱۳۹۱) نویسندگان با استفاده از الگویی ترکیبی از رویکردهای مختلف تحلیل انتقادی گفتمان، داستان سیاوش را از میان شاهنامه فردوسی مورد توجه قرار داده‌اند و با گذر از سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین، دو گفتمان متخاصم «ایرانی» و «انیرانی» را در شاهنامه شناسایی می‌کنند. فردوسی با استفاده از برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی این دو گفتمان را از یکدیگر متمایز می‌کند.

در سطح خرد، کلیه واژه‌ها، صفات و تعبیرات دارای بار ارزشی مثبت برای جناح خودی و صفات و تعبیرات منفی متعلق به غیرخودی است. در سطح تفسیر محققان بینامتنیت را مطرح کرده و مراسم مذهبی که در داستان مطرح شده همچنین نام بردن از خدای زمان، مهر و شخصیت‌های مطرح در آیین زرتشتی را از نمونه‌های ارتباط متن این داستان با متن ادیان باستانی ایران می‌دانند.

در مرحله پایانی نویسندگان فضای شعوبی‌گری حاکم بر ایران دوره فردوسی و طبقه اجتماعی این شاعر را پیش‌زمینه‌ای اجتماعی برای فردوسی می‌دانند که به‌وسیله تأکید بر هویت ایرانی، هویت بیگانگان را نفی و اعتمادبه‌نفس از دست‌رفته مردم خود را با دیگر زنده می‌کند.

این تألیف راهکار فردوسی برای جامعه مطلوب را «شاه آرمانی» همراه با ویژگی‌هایی از جمله: فره ایزدی، نژاد ایرانی و داد و خرد می‌دانند.

■ در مقاله «بررسی متن نامه مسعود غزنوی به ارسلان خان» تألیف محدثه قدسی و دیگران، (۱۳۹۳) نویسندگان با اشاره به باور انتقادی فرکلاف مبنی بر خنثی نبودن متن می‌کوشند با بررسی مؤلفه‌های «واژه‌گزینی»، «ساخت معلوم و مجهول» و «وجهیت» تلاش بیهقی را برای حفظ چهره مقتدر مسعود غزنوی نشان دهند. در بررسی مؤلفه اول نتایج حاصله عبارت‌اند از: انتخاب واژگان در جهت حفظ شکوه مسعود، وصف سپاه غزنویان با توصیفات دارای بار مثبت، انتخاب واژگان مناسب اما با بار مثبت کمتر برای ارسلان خان، در جهت جلب حمایت او در عین حفظ جایگاه برتر مسعود، کاربرد شیوه نام‌دهی عام برای نام‌شخص‌سازی سپاه مسعود در صحنه‌های فرار یا بروز اختلافات داخلی، جهت حفظ وجهه مثبت لشکریان مسعود، در مقابل استفاده از واژگان دارای بار منفی برای تحقیر و تضعیف قطب مخالف و نسبت دادن شکست غزنویان به قضا و قدر الهی و مبتنی بر خرد دانستن تسلیم در برابر این تقدیر.

در استفاده بی‌هقی از افعال معلوم و مجهول شاهد تلاش او برای پنهان کردن هویت سپاهیان شکست‌خورده غزنوی هستیم؛ تلاشی که یا در جهت حفظ شأن سپاه است یا پرهیز از خروج اطلاعات اختلافات داخلی. بی‌هقی وجوه مختلف فعلی را در نامه خود به گونه‌ای به کار می‌برد که از یک سو با استفاده از وجه التزامی به جای امری با مخاطب دارای مقام با لحنی آمرانه سخن نمی‌گوید و حمایت او را جلب می‌کند و از سویی دیگر با کاربرد وجه خبری می‌کوشد گزارش خود را از جنگ، امری حقیقی و قضای بد الهی را امری حتمی نشان دهد.

■ در «تحلیل گفتمان غالب در رمان‌های سیمین دانشور» تألیف سیدعلی دسپ و دیگران، (۱۳۸۸) نویسندگان تحلیل انتقادی گفتمان را به عنوان ابزار خود در تحقیق متون ادبی معاصر انتخاب و هدف این پژوهش را یافتن جهان‌بینی نویسنده و موقعیت تاریخ، سیاسی و اجتماعی که در بستر آن‌ها دست به نگارش آثارش زده، معرفی می‌کنند. به این منظور ابتدا بافت تاریخی، فرهنگی و اجتماعی ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی را توضیح و تأثیر این دگرگونی‌ها را بر تحولات ادبی می‌کنند؛ سپس به تجزیه و تحلیل جریان‌های متن رمان‌های مورد مطالعه می‌پردازند و با بررسی مؤلفه‌های تاریخی و اجتماعی، جریان‌های انتقادی را در این رمان‌ها تحلیل می‌کنند.

■ در «بررسی و تحلیل زبان‌شناختی رمان‌های سووشون و عادت می‌کنیم»، تألیف نسترن عبداحمد، (۱۳۹۱) نویسنده کوشیده تا نشان دهد سیمین دانشور و زویا پیرزاد چه گفتمان‌هایی را در اثر خود به کار برده‌اند و این گفتمان‌ها چه تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند. وی سعی دارد با بررسی کلی هر اثر پاسخی برای هریک از پرسش‌های فرکلاف در سه سطح تحلیل بیابد. او با تحلیل دو رمان در چهارچوب این سؤالات نشان می‌دهد دو نویسنده در انتخاب واژگان، ساخت‌های نحوی و اهداف ایدئولوژیک با یکدیگر تفاوت دارند.

پژوهشگر در بررسی آثار، بیشتر به مسائل زنان توجه می‌کند و سعی دارد نگاه هرکدام از این نویسندگان به زن را از راه بررسی انتخاب‌های زبانی و مقاصد ایدئولوژیک آن‌ها آشکار کند.

■ در «تحلیل انتقادی رمان سگ و زمستان بلند» تألیف مرضیه بهبانی و دیگران، (۱۳۹۲) نویسندگان بررسی این رمان را که به دلیل مضامین و پس‌زمینه آن رمانی سیاسی قلمداد شده و بازتاب‌دهنده فضای اجتماعی و فرهنگی دهه ۵۰ است، مورد بررسی قرار می‌دهند. فضای اجتماعی این رمان یادآور دورانی است که تضاد دو گفتمان روشنفکری و مدرنیته در تقابل با سنت بر جامعه حکم‌فرما بود. در رمان «سگ و زمستان بلند» نیز این دو گفتمان حضور دارند و نویسنده می‌کوشد انحطاط و گسست داخلی هردوی آن‌ها را نشان دهد، روشنفکران خنثی و سرگردان با کابوس‌های بیمارگونه از یک سو جامعه سنتی و خرافه‌زده از دیگر سو موضوع روایت این اثر را تشکیل می‌دهند.

گفتمان‌های دیگری که پژوهشگر در این داستان مطرح می‌کند، جامعه زنان به‌عنوان گروهی منفعل و ساکت است در مقابل جامعه مردان که نبض تحولات بزرگ جامعه را در دست دارند. زنان این جامعه حتی قشر روشنفکر آن نیز هویت خود را در مادر شدن و به دنیا آوردن فرزندی ذکور می‌بینند. این تألیف به دو سطح تفسیر و تبیین در نظریه انتقادی فرکلاف می‌پردازد و در مرحله توصیف توضیحی ارائه نمی‌دهد.

■ در مقاله «تحلیل گفتمان انتقادی رمان دکتر نون زنش را بیشتر از مصدق دوست داشت» تألیف سیدعلی قاسم‌زاده و دیگران، (۱۳۹۰) نویسندگان با تأکید بر ارتباط ادبیات و سیاست، معتقدند رمان‌ها از میان سایر انواع ادبی جلوه‌گاه بهتری برای بیان تئوری‌های سیاسی هستند. از این رو رمان مورد بحث که از جمله رمان‌های سیاسی متعلق به دوران بعد از کودتای ۲۸ مرداد است با رویکرد انتقادی فرکلاف مورد پژوهش قرار گرفته تا ایدئولوژی حاکم بر ذهن نویسنده به‌عنوان نماینده قشر روشنفکر خارج از کشور آشکار گردد.

با این تحلیل می‌توان در سطحی خرد تقابل‌های موجود میان دو گفتمان حاضر در رمان؛ یعنی «حکومت و روشنفکران محافظه‌کار» در مقابل «مردم و روشنفکران آزادی‌خواه» را در سطح واژگان، تضاد و تناقض در معنا، کاربرد ضمائر متناسب با هر گروه، استفاده از اسامی نمادین در کنار اسامی خاص تاریخی، کاربرد فراوان افعال معلوم، کاربرد قیده‌های قطعیت از سوی گفتمان صاحب قدرت و قیده‌های تردید در میان روشنفکران آشفته را مشاهده کرد.

در سطح تفسیر، این رمان نمایش جامعه غم‌زده و ناامید پس از کودتاست. رمان از فضای تاریخی-اجتماعی ایران در دهه ۳۰ تأثیرپذیرفته است، دارای رابطه بینامتنی با آثار قبلی از جمله رمان «شازده احتجاب» و «بوف کور» است. همچنین این اثر در ترسیم اوضاع اجتماعی مردسالار و نقش کم‌رنگ زنان دارای پیوندی با گفتمان مردسالار و سنتی جامعه ایران است.

در سطح تبیین گفتمان‌های دارای ستیز مورد توجه قرار گرفته‌اند. این ستیز باعث ایجاد هیجان تقابلی در رمان و کشمکش و تضاد درونی شخصیت‌های اثر شده است.

نویسنده رمان با استفاده از ابزار زبانی در کنار اعتراض به فضای «نخبه‌کشی» در تاریخ سیاسی-اجتماعی ایران، ناامیدی و سرخوردگی نخبگان را نیز مورد انتقاد قرار می‌دهد. در پایان نویسندگان وجه گفتمانی غالب در رمان را متوجه ملی‌گرایی بدون دین ارزیابی می‌کنند.

■ در مقاله «کردار گفتمانی و اجتماعی در رمان مدار صفر درجه» تألیف الهام حدادی و دیگران، (۱۳۹۱) نویسندگان با توجه به سیاسی بودن این رمان رویکرد تحلیل انتقادی گفتمان را براساس نظریات نورمن فرکلاف شیوه مناسبی برای یافتن تأثیر گفتمان غالب بر رمان و تأثیرگذاری رمان بر گفتمان